

## بررسی انواع جرائم ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی

مارگریت جوانی\*

### چکیده:

دولت‌های اشغالگر با نادیده گرفتن قطعنامه تعریف تجاوز مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دست به نقض فاحش قواعد حقوق بین الملل می زنند. قطعنامه ۱۹۷۴ مجمع عمومی با تعریفی که از «تجاوز» به عمل آورده، مفهوم کلی آن را با شماری از اعمال تجاوز کارانه درهم آمیخته است. این تعریف گرچه نقاط قوت و ضعفی دارد اما تأکید آن بر اصل مصون بودن خاک کشورها از تعرض بیگانه، قابل توجه است. این قطعنامه همه دولت‌ها را مکلف دانسته که از توسل به زور برای محروم کردن کشوری دیگر از اداره سرزمین خود و آزادی و استقلال خودداری کنند. ماده یک قطعنامه با اعلام اینکه «تجاوز» اعمال زور یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور دیگر یا توسل به اعمالی است که با مقررات منشور مغایرت دارد به بیان قاعده ای کلی پرداخته است. از آنجایی که سرزمین‌های اشغال شده از حیث موضوع اعمال حق حاکمیت، یکی از سوژه های بحث برانگیز و مورد توجه حقوق بین الملل بوده است، در این مقاله به بررسی اجمالی این مطلب پرداخته ایم.

در مقاله حاضر ابتدا معانی لغوی و اصطلاحی «اشغال» و سپس تعریف و شرایط تحقق آن را ذکر و در نهایت به بحث اصلی؛ انواع جرائم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال شده، پرداخته ایم.

**کلید واژه ها:** اشغال - جرائم ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی - محاکم بین المللی

کیفری - قوای اشغالگر - سرزمین اشغال شده.

## ۱ - مقدمه

همچنان که در جوامع داخلی وجود قوانین برای حل و فصل منازعات و اختلافات و رسیدگی به جرائم امری ضروری و اجتناب ناپذیر است، در سطح بین المللی نیز وجود چنین مقرراتی، امری لازم و حیاتی است. زیرا در غیر این صورت، تنظیم روابط بین المللی و رسیدگی به جرائم ارتكابی در سطح جامعه بین المللی، معتذر و بلکه ناممکن خواهد شد.

به همین سبب، اندیشه تدوین مقررات بین المللی به منظور ارائه تعاریف جامع و مشخص از جرائم بین المللی و ایجاد دادگاههای کیفری بین المللی و تنظیم قواعد دادرسی در تأسیسات مذکور از سالهای قبل از بروز جنگ جهانی دوم نیز وجود داشته است. به عنوان سابقه این تلاشها می توان به عهدنامه صلح ورسای در سال ۱۹۱۹، تشکیل دادگاه نورنبرگ برای مجازات جنایتکاران جنگ جهانی دوم، دادگاه توکیو، دادگاه بین المللی یوگسلاوی که در سال ۱۹۹۳ با هدف محاکمه جنایتکاران جنگی و پاکسازی قومی در آن سرزمین، دادگاه کیفری رواندا در سال ۱۹۹۴ با هدف محاکمه و مجازات متهمان به نسل کشی و پاکسازی نژادی و در نهایت، تدوین «اساسنامه دیوان بین المللی کیفری»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۸ در ۱۲۸ ماده که در آن از جنایات و جرائمی چون «نسل کشی»<sup>۲</sup>، «جنایات علیه بشریت»<sup>۳</sup>، «جنایات جنگی»<sup>۴</sup> و «تجاوز»<sup>۵</sup> که طبق ماده ۵ این اساسنامه از موارد صلاحیت دیوان مزبور است و همچنین موضوعاتی چون چگونگی تعقیب متهم، انجام تحقیقات مقدماتی و محاکمه و صدور حکم و پس از آن، تجدیدنظر، اعاده دادرسی و به طور کلی تمامی نکات فنی و تخصصی در حقوق جزا با دقت فراوان مورد مذاقه قرار گرفته است [۱]. نقطه عطفی که در این اساسنامه وجود دارد آن است که برای اولین بار تأسیس یک محکمه بین المللی دائمی پیش بینی شده است، زیرا تمامی دادگاههای کیفری که به آنها اشاره شد، جنبه موقتی داشته و صرفاً برای رسیدگی به موضوعات خاص تشکیل شده بودند، از این رو، پس از انجام وظیفه خاص خود موجودیت

1 - Statute of International Criminal Court.

2 - Genocide.

3 - Crimes Against Humanity.

4 - War Crimes.

5 - Aggression.

خود را از دست می دادند، در حالی که دادگاه کیفری بین المللی واجد خصیصه دائمی بودن است و همانند «دیوان بین المللی دادگستری»<sup>۶</sup> که به اختلافات حقوقی میان دولتها رسیدگی می کند، مولود اراده و تصمیم اعضای جامعه بین المللی است و صلاحیت رسیدگی به جنایات بین المللی را که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی ارتکاب یافته باشد، دارد، اعم از این که دولت متبوع جانی عضویت اساسنامه دیوان را پذیرفته باشد یا خیر. منشاء این صلاحیت آن است که شورای امنیت طبق فصل هفتم «منشور ملل متحد»<sup>۷</sup> وضعیتی را که به نظر می رسد یک جنایت بین المللی به وقوع پیوسته است، به دادستان ارجاع می کند [۲، ص ۱۰۵].

با توجه به مراتب فوق و به خصوص وضعیت اشغال سرزمین یک کشور توسط قوای بیگانه، این مسئله مطرح می شود که مسلماً باید سیستمی قانونی و جامع وجود داشته باشد که در صورت وقوع جرم در این گونه سرزمینها، نحوه رسیدگی به این جرائم، مقامات صالحه برای رسیدگی و صدور حکم و آئین دادرسی که باید مورد رعایت قرار بگیرد را مشخص کرده باشد، زیرا تنها در این صورت است که روند رسیدگی به دور از شائبه های انتقام جویی و یا بازیهای سیاسی، شکل خواهد گرفت.

آن چه در این مختصر به آن می پردازیم، طرح مباحثی است مانند اشغال یک کشور توسط قوای بیگانه و موضوعات و مشکلاتی که به تبع این امر در زمینه رسیدگی به جرائم ارتكابی در این سرزمینها ایجاد می شوند. در ادامه نیز بخشهایی به نحوه تشخیص و تعیین مراجع صلاحیت دار برای رسیدگی به جرائم ارتكابی و آیین دادرسی که در این محاکم لازم الرعایه اند، اختصاص داده شده است.

## ۲- تعریف اشغال

برای واژه اشغال (occupation)، در دایره المعارف آکسفورد، دو معنا آورده شده است [۳، ص ۳۱۶]:

۱- (در حقوق سرزمینی) تصرف فیزیکی و تحت کنترل درآوردن زمین<sup>۸</sup> ...

<sup>۶</sup> - International Court of Justice (ICJ).

<sup>۷</sup> - The Charter of the United Nations.

<sup>۸</sup> - Land.

۲- (در حقوق بین الملل) عمل تحت کنترل در آوردن یک سرزمین<sup>۹</sup>، حال چه آن سرزمین بی صاحب باشد (اشغال صلح آمیز<sup>۱۰</sup>) یا متعلق به یک کشور خارجی باشد و در جریان جنگ اتفاق افتد (اشغال ستیزآمیز<sup>۱۱</sup>)، حقوقدان مشهور آمریکایی «هک ورس»<sup>۱۲</sup>، در ذیل واژه «اشغال» تعریفی جامع تر از این اصطلاح، ارائه می کند:

«اشغال به معنی تحت اختیار گرفتن و به تصرف درآوردن یک کشور توسط دولت اشغال کننده است، به شرط آن که دولت اشغال کننده، خود مستقل باشد» [۴]. این قید از این لحاظ آورده شده که اگر دولتی مستعمره و یا تحت الحمايه باشد، خود آن دولت نیز حاکمیتی به معنای واقعی کلمه ندارد تا بتواند آن را جانشین حاکمیت دولت اشغال شده، کند.

با توجه به تعاریف مارالذکر به نظر می رسد که زمانی اشغال یک سرزمین محقق می شود که حاکمیت کشور اشغال شده به کلی محو و حاکمیت دیگری جایگزین آن شود.

«محمد رضا ضیائی بیگدلی» اشغال را این گونه تعریف می کند: «اشغال نظامی یک سرزمین به این معناست که نیروهای مسلح دشمن در سرزمین اشغال شده استقرار یافته و اقتدار نظامی خود را در آنجا گسترده کند و کنترل تقریباً ثابت و دائمی، اما در اساس، کنترل موقت آن سرزمین را به دست گیرند. بنابراین اشغال در اصل متفاوت از تهاجم و از نظر زمانی لاحق بر آن است. زیرا برای تحقق اشغال تهاجم نظامی یا به عبارت بهتر تاخت و تاز شدید یا تجاوز مسلحانه دشمن لازم است» [۵، ص ۱۸۱].

قطعه نامه تعریف تجاوز مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۱۳</sup>، با اعلام این که «تجاوز» اعمال زور یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک

<sup>9</sup> - Territory.

<sup>10</sup> - Peaceful Occupation.

<sup>11</sup> - Belligerent Occupation.

<sup>12</sup> - Green Haywood Hackworth.

<sup>13</sup> - Definition of Aggression, United Nations General Assembly Resolution, 3314 (XXIX) - 14 December 1974.

کشور دیگر یا توسل به اعمالی است که با مقررات منشور مغایرت دارد<sup>۱۴</sup>، به بیان قاعده ای کلی پرداخته است [۶، ص ۲۷].

### ۳- نظام حقوقی اشغال

با وجودی که اشغال یک عمل ممنوع است، اما با این حال خارج از سلطه حقوق نیست و تابع نظام حقوقی خاصی است. از جمله مقررات عهدنامه لاهه، ۱۹۰۷<sup>۱۵</sup> (بخش سوم، مواد ۴۲ تا ۵۶)، عهدنامه ژنو، ۱۹۴۹<sup>۱۶</sup> در زمینه حمایت از افراد غیر نظامی (بخش سوم، مواد ۴۷ تا ۸۰)، منشور ملل متحد و رویه قضایی بین المللی (آراء دادگاههای بین المللی نورنبرگ) و تصمیمات مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد و حقوق قراردادی حاکم بر اشغال که دارای خصیصه امری<sup>۱۷</sup> است.

آن چه در این متن از اشغال نظامی بک سرزمین مورد نظرست، به آن معناست که نیروی نظامی بک کشور، وارد سرزمینی دیگر شده و چنان زمام امور را در دست گیرد که قوه حاکمه خود را جانشین تسلط و حاکمیت دولت مورد اشغال کند (۷ ص ۴۲).

### ۴- ارکان مفهوم اشغال

لازم به ذکر است که مفهوم اشغال مانند بسیاری از معانی حقوقی دیگر دارای ارکان و شرایطی خاص می باشد و برای عینیت یافتن آن تحقق دو شرط اساسی لازم است.

**اول**، دولت مورد اشغال، قادر به ادامه حکومت و اعمال قدرت نباشد. زیرا کاملاً واضح است که اگر دولتی دارای تسلط و اقتدار بر یک سرزمین، و آحاد و افراد آن باشد، مسلماً دولت و نیروی دیگری قادر به حضور در آن سرزمین نخواهد بود و بحث از اشغال زمانی پیش می آید که دولت اشغال شده توانایی ها و قدرت حاکمه خود را از دست داده باشد. در این صورت است که اولین شرط این تأسیس محقق شده است.

<sup>۱۴</sup> - ر.ک. ماده یک قطعنامه.

<sup>۱۵</sup> - The League Convention 1907.

<sup>۱۶</sup> - The Geneva Convention 1949.

<sup>۱۷</sup> - Jus Cogence (قاعده آمره)

**دوم.** دولت اشغالگر بر سرزمین دولت دیگر مسلط شده و عملاً قادر به حکومت باشد، زیرا تنها عدم توانایی هیئت حاکمه یک کشور برای تحقق اشغال کافی نیست بلکه دولت اشغال کننده نیز باید فی الواقع قادر به برقراری نظم عمومی و اجرای قانون و سرکوبی مجرمان (چه داخلی و چه خارجی) باشد.

نظر هک ورس در مورد شرایط تحقق اشغال یک سرزمین آن است که اولاً کشور اشغال کننده باید عامداً و قاصداً اقدام به تصرف یک سرزمین دیگر کرده باشد، ثانیاً، کشور اشغال کننده باید به گونه ای قطعی و دائمی بر اراضی اشغال شده، تصرف داشته باشد و ثالثاً به منظور اداره امور سرزمین اشغالی، دولت اشغالگر سازمانی منسجم، جهت وضع قواعدی قابل احترام و قابل اجرا و همسو با موازین حقوق بشر به وجود آورد.

توضیح این که در مواردی ممکن است شرط قطعی و دائمی بودن اشغال که بیشتر به آن اشاره شد به مرور ایجاد شود، یعنی ابتدا قسمت کوچکی از یک سرزمین تحت اشغال نیروی بیگانه درآمد و سپس این سلطه به سایر مناطق و بالاخره بخش بزرگی از یک سرزمین سرایت کند، به ترتیبی که اعمال نظارت و کنترل اوضاع در آن مناطق برای تحقق مفهوم اشغال، کافی به نظر آید.

به هر تقدیر از اهم مسائلی که پس از عینیت یافتن مفهوم اصطلاحی اشغال در یک سرزمین، مطرح می شوند، یکی جرائم ارتكابی در این سرزمینها و دیگری نحوه رسیدگی به این جرائم و تعیین مقام صلاحیتدار جهت رسیدگی به آنهاست.

### **۵- مهمترین جرائم ارتكابی در سرزمینهای اشغال شده**

برای بررسی این موضوع تقسیم آن به دو دسته متفاوت، برحسب مرتکبین این جرائم، بسیار مفید به نظر می رسد. زیرا گاهی جرائمی از سوی افراد و اتباع سرزمین اشغال شده، علیه و در مبارزه و کشمکش با نیروهای اشغالگر ارتكاب می یابند و گاهی جریان روندی معکوس دارد و این افراد و نیروهای اشغالگرند که در رویارویی و سرکوب افراد سرزمین اشغال شده مرتکب جرم و جنایت می شوند. لذا هر یک از این مباحث و موضوعات نیاز به بررسی جداگانه دارند.

عمده ترین جرائم ارتكابی توسط نیروهای اشغالگر علیه اتباع سرزمین اشغال

شده، عبارتند از:

### ۹) گشتار دسته جمعی (ژنوساید)

مفهوم گشتار جمعی در کنوانسیون ژنو به شرح ذیل تعریف شده است:

«اعمالی که نسبت به حیات، سلامت، صحت جسمی و روانی اشخاص، به خصوص نابودی یک یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی و یا مذهبی انجام گیرد، از جمله:

- قتل اعضای آن گروه،
- ایراد صدمه به سلامت جسم یا روان افراد یک گروه،
- انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه و مکانی دیگر،
- ایجاد وضعیت زندگی نامناسب برای یک گروه به گونه ای که منتهی به زوال قوای جسمانی و روانی افراد آن شود [۱، ماده ۶].

همچنین مطابق پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو مورخ ۱۹۴۹ ارتکاب اعمال زیر نسبت به اشخاصی که در دست یکی از طرفهای مخاصمه هستند، بدون هرگونه تبعیض مبنی بر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب و عقیده، باورهای سیاسی یا باورهای دیگر، تبار ملی یا خاستگاه اجتماعی یا هر معیار مشابه دیگر ممنوع می‌باشد:

الف- خشونت نسبت به حیات، سلامت، صحت جسمی یا روانی اشخاص به خصوص:

- یک) قتل،
- دو) انواع شکنجه روحی یا جسمانی،
- سه) مجازات بدنی،
- چهار) قطع عضو.
- ب- اهانت به حیثیت فردی، به خصوص رفتار تحقیرآمیز و خفت‌بار، فحشا اجباری و هرگونه حمله غیر محترمانه،
- ج- گروگانگیری،
- د- مجازاتهای دسته‌جمعی،
- هـ- تهدید به ارتکاب هر یک از اعمال فوق‌الذکر.

- ۲) چپاول، غارت و تاراج اموال سکنه سرزمین اشغالی در صورتی که به لحاظ ضروریات جنگی نباشد،
- ۳) هتک ناموس و تجاوز به عنف و اجبار به فحشا نسبت به زنان سرزمین اشغال شده،
- ۴) انجام خرابکاری های غیر ضروری و بی مورد به منظور ایجاد رعب و وحشت،
- ۵) استثمار مردم سرزمین اشغالی و واداشتن آنان به انجام کار اجباری،
- ۶) ایذا و آزار سکنه سرزمین اشغال شده و وارد کردن فشار جسمانی یا روحی به اسیران جنگی به منظور کسب اطلاعات از آنان،
- ۷) استعمال گازهای شیمیایی، مسموم کننده، مواد میکروبی و امثالهم،
- ۸) مصادره اموال اتباع به طریقه نامشروع،
- ۹) تعرض و حمله به اماکن مصون از جنگ همچون بیمارستان ها مراکز درمانی و اماکن مقدسه.

### ۶- مقامات صالح جهت رسیدگی به جرائم

در این مورد حقوقدان معروف فرانسوی «موریس برنارد»<sup>۱۸</sup> بین جرائمی که متضمن صدمه و ضرر برای ارتش و نیروی اشغالگراست و جرائمی که متضمن آسیب و ضرری برای این گروه نیست، قائل به تمایز شده است. وی در این خصوص، چنین اظهار نظر می کند:

۱- در مواردی که جرائم ارتكابی به قصد ایراد صدمه به امنیت ارتش اشغال کننده نباشد محاکم محلی بر طبق قوانین موضوعه کشور خود، صالح به رسیدگی و صدور رأی اند.

۲- در مواردی که جرائم ارتكابی به قصد صدمه رساندن به قوای اشغالگر ارتكاب یابند، محاکم نظامی دولت اشغالگر واجد حق رسیدگی به جرائم، محسوب می شوند. خواه مجرم تبعه دولتی که حاکمیت خود را از دست داده، باشد و یا تبعه هر کشور دیگر. زیرا آن چه در این شرایط ملاک و ضابطه تعیین صلاحیت رسیدگی است آسیب و صدمه ای که عمل برای قوای اشغالگر در برداشته، است [۹، صص ۶۱-۵۹].



نکته قابل تأملی که در این بحث وجود دارد این است که در جرائم مربوط به نقض حقوق عمومی خواه قائل به صلاحیت محاکم قوای اشغالگر و یا معتقد به صلاحیت محاکم محلی باشیم، دادگاهها به هر صورت بر طبق قوانین محلی (کشور اشغال شده) رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌کنند. زیرا قوانین قوای اشغالگر تنها در موردی قابل اعمال است که جرائم ارتكابی از نوع جرائم نظامی باشد، لذا در این گونه موارد آئین دادرسی لازم‌الرعايه، همان آیین و مقرراتی است که در دادگاه‌های کشور اشغالی قبل از وقوع اشغال، وجود داشته است.

در مورد جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی که توسط نیروهای اشغالگر ارتكاب یابد قاعدتاً در صورت وجود دادگاه‌های کیفری بین‌المللی باید رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه‌های مزبور باشد.

در ادامه، اصول و آیین دادرسی در محاکم نظامی قوای اشغالگر مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

#### ۷- آیین دادرسی در دادگاه‌های نظامی قوای اشغالگر

از آنجایی که در این گونه محاکم، طرف غالب در حال محاکمه کردن طرف مغلوب است، ضروری است که سازمان‌های بین‌المللی بر روند محاکمه، نظارتی دقیق و همه جانبه داشته باشند و اصولی که متضمن انجام یک محاکمه منصفانه و عادلانه است، مجری شوند. برای آن که ایجاد چنین روندی ممکن شود، نکات ذیل باید مورد توجه قرار گیرند:

- ۱- متهمی که در دادگاه نظامی قوای اشغالگر محاکمه می‌شود، حق دارد برای دفاع از خود یک نفر وکیل انتخاب و به دادگاه معرفی کند.
- ۲- متهم مزبور، حق دارد شهودی را که گواهی آنان را برای رد اتهام و یا تقلیل مجازات خود مفید می‌داند، به دادگاه بیاورد.
- ۳- وکیل متهم حق دارد با متهم آزادانه ملاقات و بدون حضور کسی با او مذاکره کند. هم چنین مجاز خواهد بود که با شهود در هر کجا که صلاح بداند، آزادانه گفتگو کند.

- ۴- متهم مورد بحث حق دارد در صورت لزوم از کمک یک نفر مترجم ذی صلاح برخوردار باشد.
- ۵- کیفرخواست و مدارکی که براساس مقررات و قوانین جاری ارتش اشغالگر به متهم ابلاغ می‌شوند باید یک ماه قبل از شروع محاکمه به زبانی که متهم بفهمد به او تسلیم گردد و قید شود که وقت جلسه دادرسی چه تاریخی است و در صورتی که متهم وکیل تعیین کرده باشد، به همین کیفیت به وکیل او نیز ابلاغ شود.
- ۶- حکم صادره باید بلافاصله به زبانی که برای متهم قابل فهم باشد به وی ابلاغ شود و مراتب به دولت حامی<sup>۱۹</sup> نیز اطلاع داده شود.
- ۷- متهم حق دارد از حکم صادره تقاضای پژوهش یا فرجام یا تجدید نظر نماید و محاکم نظامی ارتش اشغالگر مکلف به قبول آنند.
- ۸- هیچ متهمی را نمی‌توان برای ارتکاب یک جرم بیش از یکبار محاکمه و مجازات نمود.
- ۹- در صورتی که مجازات تعیین شده برای متهم اعدام باشد، اجرای آن منوط به موافقت دولت حامی است که ناظر بر جریان محاکمه بوده است. دولت حامی در موارد زیر از اعلام موافقت با اجرای حکم اعدام خودداری خواهد کرد:
- الف- دادگاه رعایت اصول دادرسی را به شرحی که گذشت نکرده باشد.
- ب- اعضاء دادگاه بدون توجه به این نکته که متهم تبعه دولت اشغالگر نبوده بنابراین هیچ گونه وظایف وفاداری در برابر آن دولت ندارد از روی غرض ورزی و صرفاً در مقام سرکوبی دشمن، برای متهم مورد بحث، مجازات تعیین کرده باشد.
- پ- عدم تناسب جرم ارتكابی با مجازاتی که برای آن تعیین شده است.
- ت- عدم رعایت اصول انسانی لازم الرعایه در دادگاه که مورد قبول ملل متمدن است، در جریان دادرسی.<sup>۲۰</sup>

<sup>۱۹</sup>- منظور از دولت حامی دولتی است که عهده‌دار حفظ منافع دولت‌های متخاصم باشد و قراردادهای ژنو با معاضدت و تحت نظارت وی به موقع اجرا گذارده می‌شود. (ماده ۸ قرارداد مزبور، راجع به معامله با اسرای جنگی و ماده ۹ آن، مربوط به حمایت شهروندان است)

<sup>۲۰</sup>- مواد ۷۲-۷۳-۷۴-۷۵ کنوانسیون ژنو، راجع به حمایت از شهروندان در زمان جنگ.

### ۸- نتیجه گیری:

با توجه به مراتب فوق و در نظر گرفتن این موضوع که در زمان اشغال، محاکمه و مجازات قوای متجاوز و اشغالگر برای کشور اشغال شده امری متعذر و حتی ناممکن است و حتی بعدها نیز کشور اشغالگر می‌تواند با استناد به اصل عدم استرداد اتباع خویش و یا حتی امتناع از این امر با توسل به بهانه و دست آویزهای واهی، محاکمه مجرمین را عملاً غیرممکن سازد، در این گونه موارد باید محاکم بین‌المللی نسبت به رسیدگی به جرائم مزبور اقدام کنند. زیرا تنها در این محاکم است که می‌توان مجرمین بین‌المللی را به شکلی عادلانه و به دور از اغراض و شائبه‌هایی که در بسیاری از موضوعاتی که جنبه بین‌المللی به خود می‌گیرند وجود دارد محاکمه و مجازات کرد (۸، ص ۷۱). نکته دیگر آن که قواعد جزائی بین‌المللی و تشکیل محاکم صلاحیت‌دار برای رسیدگی به جرائم جنگی علیه بشریت در سرزمین‌های اشغال شده باید از قبل تعیین و تدوین شده باشد. همچنین موضوعاتی مانند تعریف و احصاء جرائم ارتكابی در اینگونه کشورها و تعیین مجازات متناسب نیز تدوین شود.

چنان که می‌دانیم تمامی موارد مارالذکر در مواد مختلف اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب کنفرانس رم، مانند ماده های ۶ و ۷ پیش‌بینی شده است و مقدمات تشکیل این دادگاه‌ها که همواره از آرمان‌های همیشگی و بزرگ حقوقدانان بوده است، فراهم شده است.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۱</sup>- اساسنامه این دیوان سرانجام در نشست نمایندگان تمام‌الاختیار ملل متحد در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۷ تیر ۱۳۷۷) به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور رسید. مجموعاً ۱۶۰ کشور در این نشست شرکت داشتند و بنابر آن است که پس از تصویب اساسنامه توسط ۶۰ کشور این معاهده لازم‌الاجرا شود که در سال ۲۰۰۲ این اتفاق رخ داد. متن اساسنامه به همه زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد تنظیم شده است. در مقدمه این اساسنامه با تأکید بر این مطلب که فجیع‌ترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی می‌شود، نباید بدون مجازات بماند و این که لازم است تعقیب مؤثر مرتکبین آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و تقویت بین‌المللی تضمین شود نسبت به تأسیس این دیوان توافق شده است.

## منابع:

۱. ر.ک. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم، دفتر امور بین المللی قوه قضائیه، ۱۳۷۷.
۲. دکتر آقای، سیدداوود، سازمان های بین المللی، تهران، نسل نیکان، ۱۳۸۲.
- 3- Oxford Dictionary, Ed. Elizabeth A. Martin, Oxford University Press, England 1977.
- 4- Green Haywood Hackworth, Digest of International Law, Vol. I, Washington, 1940.
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۳.
۶. مصفا، نسرین، تجاوز در حقوق بین الملل، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۵.
۷. ارسنجانی، حسن، حاکمیت دولت ها، انتشارات امیر کبیر (سازمان کتاب های جیبی)، تهران ۱۳۴۲.
۸. آشنایی با حقوق بشر دوستانه بین المللی به انضمام قراردادهای چهارگانه ژنو، کمیته ملی حقوق بشر دوستان جمهوری اسلامی جمعیت هلال احمر، ۱۳۸۱.
- 9- Bernard, Mourice, des con fricts des souveravtes, Paris, 1977.
۱۰. صفدری، محمد، حقوق جزای بین الملل، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۲.